

تبیین مؤلفه‌های آموزش و پرورش استاندارد

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۵

خلاصه

مقدمه: در آموزش و پرورش به دلیل ارتباط داشتن موضوعات با انسان و پیچیده‌تر شدن موضوع، نمی‌توان استاندارد یکنواختی را برای همه کشورها مدون نمود، چراکه هر کشوری با توجه به اقلیم و جایگاه آن در کره خاکی دارای شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی متفاوتی است. حتی در یک کشور همانند ایران به دلیل گستردگی و وسعت کشور شاید استاندارد خاصی برای آموزش و پرورش قابل تدوین نباشد، اما آموزش و پرورش بدون الگوی استاندارد هم جایگاهی نخواهد داشت. پژوهش حاضر باهدف ارائه الگو برای آموزش و پرورش استاندارد و تبیین آن انجام گرفته است. پژوهش حاضر از پژوهش‌های مختلط (کیفی و کمی) است.

روش کار: روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. داده‌ها کیفی از طریق مصاحبه و داده‌های کمی به صورت میدانی گردآوری گردیده است. جامعه آماری کارشناسان و خبرگان در حوزه آموزش و پرورش بودند. در بخش کیفی تعداد ۲۱ نفر به صورت هدفمند با روش گلوله برفی و در بخش کمی تعداد ۲۶۰ نفر از خبرگان و کارشناسان در حوزه آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - نسبتی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه نیمه سازمان یافته و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته بوده است.

نتایج: نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که مدل ارائه شده با استفاده از نرم افزار AMOS قابل تأیید می‌باشد.

نتیجه‌گیری: برای تعیین روایی از روایی محتوایی و هم زمان و برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ، استفاده شد. برای تحلیل داده‌های کیفی از روش داده بنیاد و داده‌های کمی از شاخص‌های توصیفی، برازش و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش، استانداردسازی، مدل استاندارد آموزش و پرورش

محمد خوب چهره^۱

احمد اکبری*^۲

هادی پورشافعی^۳

مسلم چرابین^۴

^۱ دانش آموخته دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بردسکن، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسکن، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

Email: Akbari.180@gmailcom

مقدمه

آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد برآمده از متن جامعه و در عین حال سازنده و تکامل دهنده آن است و تاثیر آن در پیشرفت جامعه، امری حیاتی و محسوس است (۱). به اعتقاد رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، به سعادت معنوی، به پیشروی علمی، به آبادانی زندگی دنیا، به هر آرزویی، بخواهد دست پیدا کند، باید به آموزش و پرورش به‌عنوان یک کار بنیادی، مقدماتی لازم بپردازد. نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی، یکی از سازمان‌های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشور محسوب می‌شود و با رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوندی ناگسستی دارد. تعلیم و تربیت در همه اعصار و نسل‌ها، مهم‌ترین کار بشر در زندگی بوده است (۲).

بسیاری از مدارس امروزی در حسرت چشیدن طعم کارکردهای مدارس اثربخش می‌باشند (۳) در دنیای کنونی در بسیاری از کشورها این اعتقاد اساسی وجود دارد که آنچه در جامعه می‌گذرد اعم از رفتار مردم، تعاملات آن‌ها با یکدیگر و ... ناشی از کیفیت کار آموزش و پرورش است. همچنین به گفته درویشی و همکاران (۴) سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به منزله پرنفوذترین و مؤثرترین نوع سیاست‌گذاری‌های عمومی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، رویه‌ها و اقداماتی است که نهاد دولت به منظور توانمندسازی و توسعه دانش و مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، رفع معضلات موجود در عرصه نظام تعلیم و تربیت و نیز کیفیت بخشی به امر تربیت، تدوین و اجرا می‌کند. بنابراین ضرورت و اهمیت پرداختن به بحث استانداردسازی در آموزش و پرورش برای دستیابی به کیفیت مطلوب بسیار مورد توجه می‌باشد. از نظر خنیفر (۵)، استاندارد نمودن فعالیت‌های آموزش و پرورش در گسترش تحولات چشمگیر نظام‌های آموزشی برتر جهان فرایندی لازم و لاجرم می‌باشد و پرداختن به چارچوب‌های نظری و عملی آن در هر بخش با الگوگیری از روش‌ها و شیوه‌های استاندارد و فعالیت‌های شایسته و نیازمند سرمایه‌گذاری درازمدت می‌باشد.

با گذشت بیش از ۲۰ سال از شروع نهضت استانداردسازی این سؤال همواره مطرح است که آیا مجموعه‌ای

از استانداردها وجود دارد که منجر به بهبود قابل‌توجهی در عملکرد دانش‌آموزان و معلمان شود و علاوه بر آن، خلاقیت و ابتکار آنان را نیز تقویت کند؟ همچنین با توجه به ابعاد متفاوت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف، آیا می‌توان از استانداردها و یا معیارهای مشخص سخن گفت؟

نتیجه رعایت استاندارد ارتقای سطح کیفی، عملکرد مطلوب و استانداردسازی، ایجاد ثمر و شاخص بر اساس مدل مطلوب است (۶). همچنین اهمیت و لزوم اطمینان کیفی از عملکرد مدارس و مؤسسات آموزشی تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش در ابعاد درون داد، فرایند، برون داد و پیامدهای مؤسسات در زمینه‌های آموزشی، پرورشی، امکانات و تجهیزات، برنامه‌های آموزشی و درسی، مدیریت و ... و توانمندی آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، فلسفه وجودی یک الگو با نظام نیمه‌متمرکز برای آموزش و پرورش کشور است. در کشور جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر بحث نظری استاندارد و استانداردسازی در حوزه آموزش و پرورش ایران مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که اولین همایش استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش در سال ۲۰۰۳ برگزار شده و تحقیقات محدودی هم نیز انجام گرفته، همچنین به گزارش معاونت تدوین و ترویج استاندارد ایران، برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ نشست مشترکی به منظور ترویج فرهنگ استاندارد در مقاطع مختلف تحصیلی آموزش و پرورش در سازمان ملی استاندارد ایران برگزار شده است، با این حال متأسفانه تاکنون استانداردهای مدون شده‌ای و الگوی استاندارد خاصی برای کیفیت بخشی به زیر نظام‌های آموزشی (آموزش پیش‌دبستانی، دوره ابتدایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای و تربیت معلم) با توجه به فرهنگ و خصوصیات ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران در دسترس نیست. نیاز به وجود استاندارد و استانداردسازی یکی از مواردی است که به شکل‌های مختلف، مانند تهیه شاخص کیفی، مؤلفه‌های استاندارد و عوامل درون مدرسه‌ای، فضا، ارزشیابی و مصرف منابع استاندارد در سند تحول آموزش و پرورش (که از اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران است) به آن اشاره شده، همچنین مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران هم بر این امر

تأکید دارند. یکی از ۵ سیاست اصلی آموزش و پرورش ارتقای کیفیت آموزش می باشد (۷). اهمیت وجود کیفیت و استاندارد از آنجا در نظام آموزشی بیشتر می شود که بدانیم کیفیت زندگی نسل حاضر و نسل های آینده در گرو کیفیت آموزشی است (۸). همه این موارد دلیل بر اهمیت و نیاز به وجود استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش بوده و نشان دهنده وجود خلأ الگوهای استاندارد برای رسیدن به کیفیت مطلوب آموزشی می باشد.

هرچند نظرات مخالفی هم در مورد استاندارد، به دلیل برداشت ذهنی در مورد یکنواخت نمودن فعالیت ها (۹) و وجود محدودیت های استاندارد (۱۰) وجود دارد، اما تأکید اکثر محققین (۱۱، ۱۲) بر لزوم استاندارد در آموزش و پرورش است. استاندارد نمودن فعالیت های آموزش و پرورش در گسترش تحولات چشم گیر نظام های آموزشی برتر جهان فرایندی لازم و لاجرم می باشد و پرداختن به چارچوب های نظری و عملی آن در هر بخش با الگو گیری از روش ها و شیوه های استاندارد و فعالیتی شایسته و نیازمند سرمایه گذاری درازمدت می باشد (۵). امروزه عقیده بر این است که برای به حداکثر رسانیدن فرصت های آموزش و یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت برای تمام فراگیران، باید سیاست گذاران و رهبران آموزشی اطمینان یابند که معلمان آموزش های مبتنی بر استاندارد را به اجرا درمی آورند و این امر زمانی میسر است که معلم و منابع انسانی استاندارد شوند.

از پیامدهای مثبت استانداردسازی آموزش، می توان به جلوگیری از افزایش هزینه های آموزشی، افزایش هماهنگی و کاهش تعارض، پیش بینی رفتار و عملکرد کارکنان، امکان پذیر بودن ارزشیابی و بهبود اقدامات و بهبود سطح فراگیران و معلمان (۱۳) اشاره نمود. همچنین هوشیاری سازمان نسبت به محیط، چابک بودن در برابر تغییرات، چندوجهی بودن، توجه به ارزش های آتی ذینفعان، دارای فرهنگ آینده گرا و افرادی با ویژگی های روان شناختی مثبت و دانش مدار را در گرو آموزش و پرورش استاندارد (۱۴) به شمار می رود. برای داشتن منابع انسانی کیفی با توان بهره وری بالا، برخورداری از اطلاعات و روش های جدید و به روز علمی، مهارت های فنی - انسانی، ادراکی، صلاحیت -

های حرفه ای و از همه مهم تر شاخص های استاندارد ضروری است که، استانداردسازی مورد توجه قرار گیرد. همچنین عقیده بر این است که برای به حداکثر رساندن فرصت های آموزش و یادگیری در فرایند آموزش و پرورش بایستی سیاست گذاران و رهبران آموزشی اطمینان یابند که معلمان، آموزش های مبتنی بر استاندارد را اجرا می کنند (۵). این امر زمانی میسر خواهد شد که جنبه های مختلف آموزش و پرورش به صورت استاندارد قابل قبول وجود داشته باشد. اسناد آموزش و پرورش همانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در چندین مورد تأکید بر استانداردسازی و طراحی استانداردهای مناسب دارد. نتیجه رعایت استاندارد، ارتقای سطح کیفی و عملکرد مطلوب است. همچنین اهمیت و لزوم اطمینان کیفی از عملکرد مدارس و مؤسسات آموزشی تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش در ابعاد درون داد، فرآیند، برون داد و پیامدهای مؤسسات در زمینه های آموزشی، پرورشی، امکانات و تجهیزات، برنامه های آموزشی و درسی، مدیریت و ... و توانمندی آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، فلسفه وجودی یک الگو برای آموزش و پرورش کشور است. همه این موارد دلیل بر اهمیت و نیاز به وجود استاندارد و استانداردسازی در آموزش و پرورش بوده و نشان دهنده وجود خلأ الگوهای استاندارد برای رسیدن به کیفیت مطلوب آموزشی می باشد. با عنایت به آنچه بیان شد انجام این تحقیق می تواند بنا به موارد ذیل ضرورت یابد:

۱- عدم وجود سوابق پژوهشی در سطح استان و کشور. یکی از ضروریات توجه به استانداردسازی آموزش و پرورش ایران را می توان این موضوع عنوان کرد که در خصوص استانداردها به طور عام، استانداردهای آموزشی و استانداردهای معلمان به طور خاص و الگوی آموزش و پرورش استاندارد به طور اخص، مطالب قابل توجه و قابل استنادی وجود ندارد.

۲- کاربرد نتایج این تحقیق توسط مسئولین و ارائه راهکار به آن ها جهت حرکت در جهت آموزش و پرورش استاندارد.

۳- بدیع بودن موضوع پژوهش که در نتیجه تحقیق حاضر می تواند موجب به وجود آمدن دیدگاه های تازه و جدیدی در این باب باشد.

ارائه تجارب آموزشی باکیفیت بالا برای کودکان دارد که عبارت‌اند از: معرفی محیط‌های یادگیری حمایتی برای کودکان پیش‌دبستانی، ارائه راهنمایی بر ارزیابی کودکان، روابط میان خانواده، جامعه و کودکان، شناسایی نتایج یادگیری برای کودکان پیش‌دبستانی با شیوه‌های تدریس مناسب که با حمایت از نتایج موردنظر شناخته شده است.

میان‌داری و همکاران (۱۴)، در طراحی یک مدل برای سازمان آینده‌گرا، خصوصیات این نوع سازمان را هوشیاری نسبت به محیط، چابک در برابر تغییرات، چندوجهی، توجه به ارزش‌های آتی ذینفعان، دارای فرهنگ آینده‌گرا و افرادی با ویژگی‌های روان‌شناختی مثبت و دانش‌مدار می‌داند، اما این هدف ممکن نخواهد شد مگر این‌که افرادی که در این سازمان‌ها فعالیت دارند در آموزش پرورش استاندارد تحصیل کرده باشد و توانسته باشند توانایی خود را افزایش داده و خلاقیت خود را بالا ببرند.

مهرعلی زاده و همکاران (۱۵)، در تحقیقی برای تبیین موضوع به عناصر پنج‌گانه مرتبط با استانداردهای آموزشی (پدیده مورد مطالعه، شرایط علی، زمینه تأثیرگذار، عامل‌های مداخله‌گر، راهبردهای موردنظر و پیامدها) توجه کرده و نتیجه می‌گیرد که سوابق نظری و تجربی و دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص استانداردهای آموزشی، بیانگر این است که چنانچه در جامعه نسبت به استانداردهای آموزشی و شغلی احساس نیاز به وجود آید بسیاری از مشکلات حاشیه‌ای استانداردهای شغلی و آموزشی مرتفع خواهد شد. افزایش نیاز منجر به گسترش کمی و کیفی سطح تعامل و مشارکت کلیه ذینفعان به استانداردهای آموزشی می‌شود. همچنین کارایی و اثربخشی استانداردهای آموزشی را متأثر از احساس نیاز و افزایش تقاضا و مشارکت تعامل می‌دانند. روحانی دهکردی و باقری (۱۹)، در پژوهشی که با رویکرد تحلیلی و بررسی اسنادی در موضوع مدرسه و نقش آن در تعلیم و تربیت ارزش‌ها انجام داده است، نتیجه می‌گیرد که معلم نقش مهمی در سلامت روانی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. و روابط انسانی در مدرسه را از عوامل مهم در تبیین ارزش‌ها می‌داند. فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی در سطح منطقه را از جمله چالش‌ها نام می‌برد.

سوابق نظری و تجربی و دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص استانداردهای آموزشی، بیانگر این است که چنانچه در جامعه نسبت به استانداردهای آموزشی و شغلی احساس نیاز به وجود آید بسیاری از مشکلات حاشیه‌ای استانداردهای شغلی و آموزشی مرتفع خواهد شد (۱۵). تاکنون عناوین مختلفی از سوی پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش به‌عنوان مؤلفه‌های نظام آموزشی بیان شده است. مهدیون و همکاران، طی پژوهشی نتیجه گرفتند که عوامل مؤثر عبارت‌اند از: عوامل محیطی کیفیت مدارس، ویژگی‌های معلم، امکانات و تجهیزات، مدیر مدرسه، ویژگی‌های (۱۶) دانش‌آموز، روابط انسانی در مدرسه، خانواده، اهداف آموزشی و محتوای تدریس، منابع مالی و انسانی، روش تدریس.

نوید ادهم و صادق زاده (۱۷) در پژوهشی، از عوامل دروندادی و فرایندی مانند ساحت‌های تعلیم و تربیت، زیر نظام‌های آموزش و پرورش، سطوح آموزش، آموزش‌های خاص، ساختار آموزشی، نظام ارزشیابی، به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی نظام آموزشی نام می‌برد. برخی از محیط‌های حاکم بر آموزش و پرورش که عملکرد نظام تعلیم و تربیت را متأثر می‌کند، به‌عنوان عوامل محیطی و پیرامونی بیان کرده که عبارت‌اند از: محیط اداری، اجرایی، دولتی، عمومی، محیط حقوقی، قضایی و تأمینی، محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی و محیط بین‌المللی و منطقه‌ای (۱۷). محسنی (۱۸)، در پژوهشی بیان می‌کند فلسفه در مورد معرفت آدمی و ارزش‌ها بحث می‌کند و با معلم، دانش‌آموز، مواد درسی، وسایل و تجهیزات آموزشی، روش تدریس، مدیریت و سازمان دادن برنامه‌ها ارتباط دارد. بدون شک دیدگاه هر مکتب درباره ابعاد و مؤلفه‌های آموزش و پرورش، به‌صورت مستقیم نقش دارد. شورای کارکنان مدارس ایالتی امریکا در سال ۲۰۱۱ به تدوین مدل استانداردهای آموزشی پرداخته و تعدادی استاندارد برای یادگیرنده و یادگیری، محتوای دانش، عمل آموزشی، مسئولیت حرفه‌ای مشخص کرده است. استانداردهای آموزشی و یادگیری پیش‌دبستانی در آموزش و پرورش نیوجرسی (۲۰۱۴) برای ارائه پیش‌زمینه اشاره دارد به این‌که استانداردهای آموزشی و یادگیری پیش‌دبستانی ۲۰۱۳ یک چارچوب نظری قوی برای

تربیت در سطح مدیران، معاونان مسئولین ستادی و رؤسا و معاونین ادارات و معلمان در سازمان آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی که دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا و مرتبط با علوم تربیتی در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بوده است. برای تعیین نمونه آماری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی استفاده شد. با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری ۷۸۲ نفر بود، نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و با افزایش نمونه ۲۶۰ نفر برآورد شد.

ابزار مورد استفاده در بخش کمی پرسشنامه‌ای با ۸۳ گویه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بود، برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوایی و روش روایی هم‌زمان استفاده شد. در روایی محتوا از نظر ۵ نفر از اساتید راهنما و متخصصان تعلیم و تربیت استفاده شد و اصلاحات موردنظر ایشان در محتوا و ساختار انجام گرفت. به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه، پس از اجرای آزمایشی پرسشنامه محقق ساخته بر روی ۳۰ نفر از جامعه آماری انجام شد و پس از گردآوری پرسشنامه و ورود داده در نرم‌افزار SPSS همسانی درونی مؤلفه‌های هر یک از عوامل اصلی با روش آلفای کرونباخ بررسی شد که مقدار آن ۰/۸۸ به دست آمد.

نتایج

یافته‌های این پژوهش شامل یافته‌های کمی حاصل تحلیل داده-های به‌دست‌آمده از پرسشنامه است. در این پرسشنامه که شامل ۸۳ گویه بود تعداد ۲۷ مؤلفه در سه بعد اصلی مورد آزمون واقع شد.

سؤال اول: مدل مفهومی آموزش و پرورش استاندارد کدام است؟ بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش کدگذاری محوری نظریه داده بنیاد، ابعاد اصلی تشکیل‌دهنده آموزش و پرورش استاندارد حاصل شده در جدول ۱ نشان داده شده است.

روایی (۲۰)، در پژوهشی نشان داد که کدام برنامه‌های آموزش معلمان به استانداردها معنای واقعی می‌دهند و چه تصویری از علوم تربیتی در استانداردها و برنامه درسی منعکس شده است. همچنین نتایج نشان داد که همسویی به‌طور صریح و مستقیم و مکاتبات مستمر است که دستیابی به آن دشوار است. بخشی از آن به دلیل تصورات مختلف دانش حرفه‌ای است. با این حال، این مطالعه استدلال می‌کند که ارزش اصلی استانداردها به‌عنوان ابزار سیاستی است که در ظرفیت ایجاد گفتگوی متقابل میان مؤلفه‌های متفاوت (الزامات استاندارد، برنامه درسی، شرح دوره، استانداردهای اعتباربخشی و غیره) آن‌ها وجود دارد.

در خصوص آموزش و پرورش استاندارد مطالعات نشان می‌دهد که هرچند برای برخی از مؤلفه‌های آموزش و پرورش که در کیفیت بخشی به نظام تعلیم و تربیت اهمیت داشته، استانداردهای تعریف شده و شاخص‌ها و معیارهای هم برای بررسی وضعیت موجود استاندارد بیان شده، اما این موارد بومی‌سازی نشده، همچنین در مورد ارائه الگوی استاندارد در مورد آموزش و پرورش غفلت شده است. با چنین پیشینه‌ای و با احساس وجود خلأ در تحقیقات حوزه آموزش و پرورش این مطالعه انجام شده و درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است:

۱. الگوی مفهومی آموزش و پرورش استاندارد کدام است؟
۲. الگوی طراحی شده تا چه میزان وضعیت آموزش و پرورش استاندارد را تبیین می‌کند؟

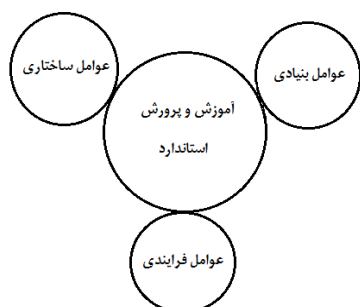
روش کار

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مختلط (کیفی و کمی) به صورت متوالی و از نظر نوع روش تحقیق توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری در بخش کیفی تعداد ۲۱ نفر از خبرگان حوزه آموزش و پرورش بودند که به منظور انجام مصاحبه نیمه سازمان یافته به روش هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. جامعه آماری در بخش کمی، شامل کارشناسان حوزه تعلیم و

جدول ۱- عوامل اصلی و کدهای محوری (مؤلفه‌های تشکیل دهنده) آموزش و پرورش استاندارد

عوامل اصلی	مؤلفه‌های تشکیل دهنده
عوامل بنیادی	فلسفه آموزشی متناسب؛ اهداف آموزشی شفاف؛ آینده‌نگر بودن؛ اصول آموزشی کارآمد؛
عوامل ساختاری	توانمندی مدیران؛ نظام پویا؛ ارتباطات سازمانی اثربخش؛ نظام آموزشی یادگیری محور؛ ساختار استاندارد محور؛ نظام غیرمتمرکز؛ تصمیم‌گیری مؤثر
عوامل فرایندی	برنامه درسی پویا؛ یادگیری پژوهش محور؛ یاددهی- یادگیری منعطف؛ معلم توانمند و پژوهشگر؛ معلم متعهد؛ محتوای کاربردی؛ محتوای آموزشی موردنیاز؛ معلم تعامل‌گر؛ بودجه- هزینه؛ مدرسه اثربخش؛ محیط یادگیری امن؛ مدرسه هوشمند؛ مدیریت متعهد و تعامل‌گر؛ امتحانات هماهنگ؛ ارزشیابی توصیفی؛ دانش آموز فعال

اسپینر، تغییراتی را به وجود آورد، مطابق با تفکر سیستمی هرگونه تغییر در وضعیت هرکدام از عوامل آموزش و پرورش می‌تواند بر روی مرکز (نظام آموزش و پرورش استاندارد) تأثیرگذار باشد یا هرگونه تغییر در آموزش و پرورش استاندارد نمی‌تواند بدون تغییر در عوامل اصلی آن صورت بگیرد. به عبارت دیگر، برای شناخت آموزش و پرورش استاندارد باید به سه بعد اصلی و مؤلفه‌های توجه نمود و برای تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش ضرورت توجه به این مؤلفه‌ها از اهمیت برخوردار است.



تصویر ۱- مدل مفهومی اسپینری (Spinner) برای آموزش و پرورش استاندارد

با توجه به اینکه برای طراحی الگو از روش استقرایی استفاده شده و با کنار هم قرار دادن کدهای باز، الگوی آموزش و پرورش استاندارد به دست آمده است، لذا می‌بایست مشخص شود که آیا الگوی ارائه شده از اعتبار کافی برخوردار است؟ یا خیر و آیا ابعاد سه‌گانه و کل‌سازه آموزش و پرورش استاندارد به درستی با عوامل فرعی و عوامل فرعی به درستی با سؤالات سنجیده می‌شوند؟ یا خیر. برای پاسخگویی به این سؤال‌ها از شاخص‌های به دست آمده از نرم‌افزار AMOS

مطابق با جدول ۱ مؤلفه‌های آموزش و پرورش استاندارد شامل عوامل بنیادی با مؤلفه‌های فلسفه‌های آموزشی متناسب، اصول آموزشی کارآمد، اهداف آموزشی شفاف، آینده‌نگر بودن و برای عوامل ساختاری با مؤلفه‌های توانمندی مدیران، نظام پویا، ارتباطات سازمانی اثربخش، نظام آموزشی یادگیری محور، ساختار استاندارد محور، نظام غیرمتمرکز، تصمیم‌گیری مؤثر و برای عوامل فرایندی مؤلفه‌های برنامه درسی پویا، یادگیری پژوهش محور، یاددهی- یادگیری منعطف، معلم توانمند و پژوهشگر، معلم متعهد، محتوای کاربردی، محتوای آموزشی موردنیاز، معلم تعامل‌گر، هزینه‌های اثربخش، بودجه مکفی، مدرسه اثربخش، محیط یادگیری امن، تجهیزات بروز و متناسب، مدرسه هوشمند، مدیریت متعهد و تعامل‌گر، امتحانات هماهنگ، ارزشیابی توصیفی، دانش آموز فعال به دست آمد.

با توجه به اینکه از نظر پژوهشگر عوامل آموزش و پرورش از سه موضوع بنیادی، ساختاری و فرایندی فراتر نیستند، برای آموزش و پرورش استاندارد مدلی با نام اسپینر همانند تصویر ۲ طراحی نموده است. با توجه به شباهت شکل و مدل به دست آمده با فرفره یا اسپینر، این مدل را مدل اسپینر (Spinner) نام‌گذاری شده است. همان‌طور که در اسپینر یک بلبرینگ در وسط و سه عدد در کنار آن با فاصله مساوی به همدیگر متصل شده‌اند، در الگوی طراحی شده توسط پژوهشگر، نظام آموزش و پرورش استاندارد در مرکز و سه عامل اصلی در حول آن قرار دارند و این سه عامل به مرکز که همان نظام آموزش و پرورش استاندارد می‌باشد متصل هستند. همان‌طور که تغییرات در وضعیت اجزای اسپینر می‌تواند بر قسمت مرکزی

و زیر مؤلفه‌ها بررسی و آزمون شود و با این اقدام، قابلیت تبیین الگو برآورد می‌شود. در این مورد نرم‌افزار AMOS و روش تحلیل عاملی تأییدی این امکان را برای آزمون الگو و بررسی آن فراهم می‌سازد.

برای حصول اطمینان از برازش کلی مدل مورد نظر پژوهشگر، برخی از شاخص‌های مهم مانند کای اسکوتر، کای اسکوتر نسبی، ریشه میانگین توان دوم باقیمانده، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش هنجار شده، شاخص برازش مقایسه‌ای، شاخص برازش افزایشی و شاخص تاکر-لویز محاسبه شده و نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده است.

استفاده گردیده که در پاسخ به سؤال سوم پژوهش به همراه الگوی نهایی ارائه شده است.

سؤال دوم: الگوی طراحی شده تا چه میزان وضعیت آموزش و پرورش استاندارد را تبیین می‌کند؟

برای پاسخگویی به سؤال سوم از نرم‌افزار رایانه‌ای و معیارهای اعتبار یابی مدل (الگو) استفاده شده است. در این الگو برای سنجش آموزش و پرورش استاندارد با سه عامل عوامل بنیادی، عوامل ساختاری و عوامل فرایندی و برای سنجش هر مؤلفه اصلی از چند عامل فرعی و در نهایت، برای سنجش عوامل فرعی از گویه‌ها استفاده شد. از این رو، لازم است وضعیت تمام مؤلفه‌ها

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری آموزش و پرورش استاندارد

شاخص	دامنه قابل قبول	مقدار به دست آمده	ارزیابی شاخص‌های برازش
χ^2	---	۷۵۰/۵۱	-----
DF	---	۳۴۷	-----
χ^2/df	< ۵	۲/۱۶	مناسب
P-Value	< ۰/۰۵	۰/۰۰۰	مناسب
RMSEA	< ۰/۱۰	۰/۰۶۷	مناسب
RMR	< ۰/۱	۰/۰۲۷	مناسب
NFI	صفر تا ۱	۰/۷۴	مناسب
CFI	صفر تا ۱	۰/۸۴	مناسب
GFI	صفر تا ۱	۰/۸۲	مناسب
AGFI	صفر تا ۱	۰/۷۹	مناسب
TLI	> ۰/۵	۰/۸۲	مناسب

همبستگی بین متغیرهای مدل بر این شاخص دارد، محققان شاخص نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی را برای ارزیابی برازش مدل معرفی نموده‌اند که به حجم نمونه حساس نباشد. نظرات مختلفی در مورد این نسبت وجود دارد که به طور کلی نسبت ۱ تا ۳ (کلاین، ۲۰۰۵؛ ۲۰۱۱)، (هومن، ۱۳۸۷) را به عنوان بهترین نسبت برای این شاخص در نظر گرفته‌اند. با توجه به اینکه این نسبت در مدل طراحی شده پژوهشگر ۲/۱۷ به دست آمده می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

شاخص کای اسکوتر (مجذور کای)، سطح عدم تناسب بین ماتریس کوواریانس نمونه و ماتریس کوواریانس برازش شده را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان با توجه به غیر معناداری آن برای ارزیابی کلی مدل استفاده شود. برای این شاخص باید مقدار سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه این شاخص معیاری از جمله وابستگی زیاد به حجم نمونه (با افزایش نمونه برازش مناسب تری نشان می‌دهد)، وابستگی به نرمال بودن چند متغیره متغیرهای مشاهده شده (در صورت نرمال نبودن، موجب رد مدل‌های خوب می‌شود)، و تأثیر میزان

باشد. در مدل مورد پژوهش مقدار این شاخص $0/79$ به دست آمده که نزدیک به مقدار قابل قبول می‌باشد. همچنین با توجه به خروجی برنامه AMOS در این پژوهش، مقادیر شاخص‌های NFI^5 (شاخص هنجار شده برازندگی) و CFI^6 ، بالا و نزدیک به یک، شاخص تاکر - لویز بزرگ‌تر از $0/50$ درصد همگی نشان‌دهنده اعتبار مدل هستند. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، همه شاخص‌ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند. در الگوی آموزش و پرورش استاندارد که در تصویر ۳ نشان داده شده است سه عامل اصلی تشکیل‌دهنده سازه یعنی عامل بنیادی، عامل ساختاری و عامل فرایندی به‌عنوان متغیرهای مکنون مرتبه دوم و سازه آموزش و پرورش استاندارد متغیر مکنون مرتبه اول است.

سهم هر یک از مؤلفه‌ها در عوامل فرعی و سهم هر یک از عوامل در سازه آموزش و پرورش استاندارد بر اساس ضرایب لامبدا (λ) و مجذور ضریب همبستگی (R^2) در جدول ۳ مشخص گردیده است. اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که سازه آموزش و پرورش استاندارد با عوامل اصلی و عوامل فرعی دربرگیرنده آن از ضرایب لامبدا معناداری برخوردارند و برازش مدل سازه آموزش و پرورش استاندارد برازشی مناسب و معنادار است.

جهت بررسی معناداری مدل می‌توان از مقدار P-Value استفاده نمود. اگر مقدار به دست آمده کوچکتر از $0/05$ باشد، در سطح ۹۵ درصد می‌توان گفت مدل معنادار است. با توجه به اینکه مقدار P کمتر از $0/05$ می‌باشد می‌توان گفت مدل معنادار است. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های برازش مدل در تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. مقدار قابل قبول برای این شاخص زیر $0/1$ در نظر گرفته شده و مقادیر بالای $0/1$ نشان‌دهنده برازش ضعیف مدل می‌باشد. در مدل ارائه شده در پژوهش حاضر مقدار $0/067$ به دست آمده که این مقدار نشان‌دهنده برازش مناسب مدل پژوهشگر می‌باشد. شاخص ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده (RMR^6) یکی از شاخص‌های است که بد بودن مدل تجربی را نشان می‌دهد. مقدار قابل قبول برای مدل‌های با برازش خوب، زیر $0/1$ و برخی مقادیر زیر $0/08$ را مورد پذیرش دانسته‌اند. با توجه به اینکه مقدار این شاخص در مدل ارائه شده $0/027$ به دست آمده و خیلی کمتر از مقدار قابل قبول می‌باشد می‌توان با این شاخص گفت که مدل از برازش خوبی برخوردار است. مقدار شاخص نیکویی برازش (GFI^7) بیانگر میزان دقت مدل در تکرار ماتریس کوواریانس مشاهده شده است. این معیار به شدت تحت تأثیر تعداد پارامترهای مدل می‌باشد و با افزایش آن، مقدار GFI افزایش می‌یابد. دامنه قابل قبول برای این شاخص بین صفر تا یک می‌باشد و هرچه قدر مقادیر این شاخص نزدیک به یک باشد، بیشتر می‌توان مناسب بودن مدل را پیشنهاد کرد. با توجه به اینکه مقدار این شاخص در مدل $0/82$ به دست آمده و نزدیک به مقدار یک است می‌توان مدل را از نظر این شاخص مناسب ارزیابی نمود. همچنین شاخص نیکویی برازش اصلاح شده ($AGFI^8$) که مرتبط به مقدار GFI می‌باشد، شاخصی است که GFI را بر اساس میزان درجه آزادی مدل تنظیم می‌نماید. در واقع هدف این معیار جریمه نمودن مدل به ازای افزایش تعداد پارامترهای جدید به مدل است. دامنه مورد پذیرش این شاخص مقادیر بالای $0/9$ می‌

1 - Root Mean Square of Approximation

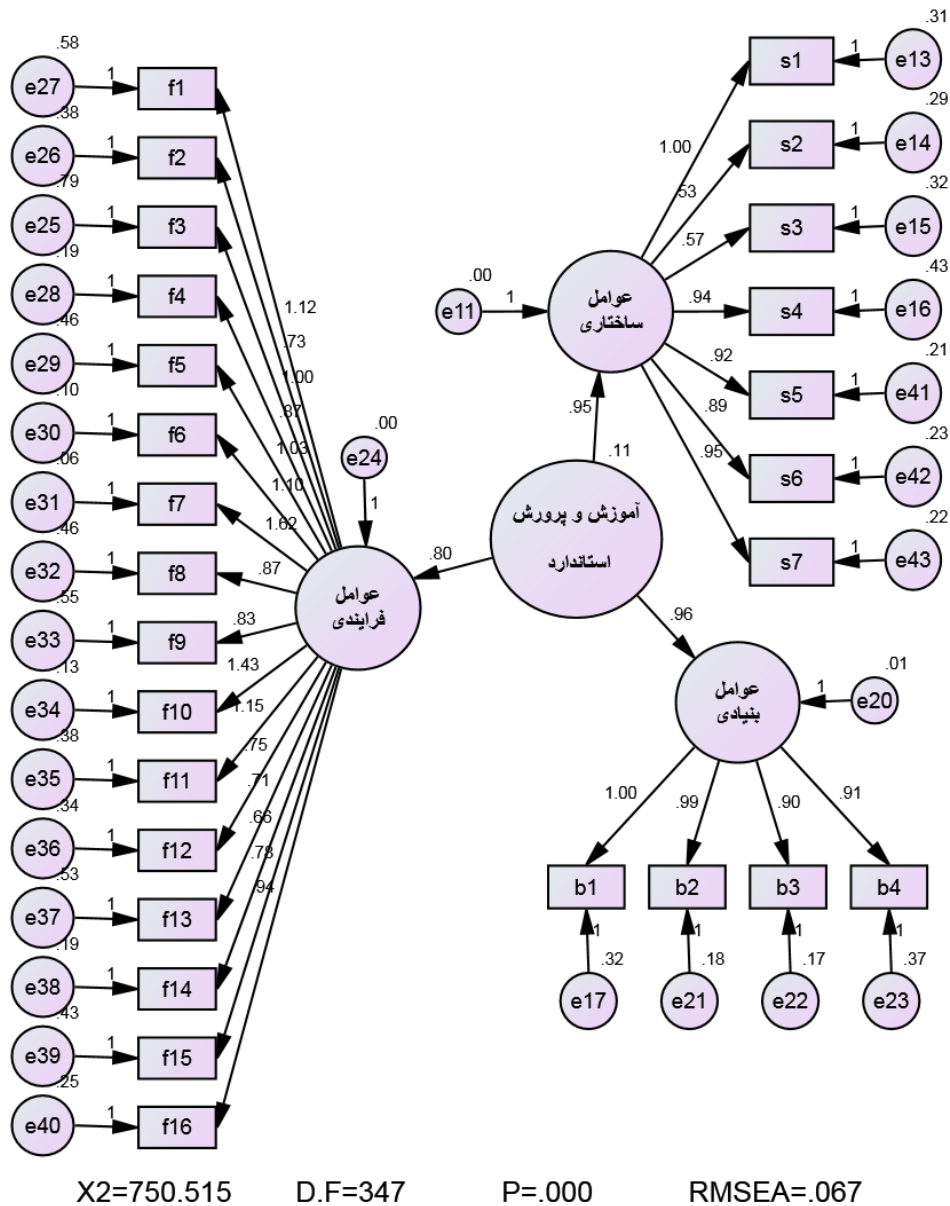
2 - Root Mean Square Residual

3 - Goodness of Fit Index

4 - Adjusted Goodness of Fit Index

5 - Normed Fit Index

6 - Comparative Fit Index



تصویر ۲- تحلیل مرتبه دوم مؤلفه‌های تشکیل دهنده آموزش و پرورش استاندارد

جدول ۳- ضریب لامبدا و ضریب عوامل اصلی و مؤلفه‌های آموزش و پرورش استاندارد

عوامل اصلی	نماد در مدل	مؤلفه‌های تشکیل دهنده	λ	R2	تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده
عوامل بنیادی			۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۰۰
	b1	فلسفه آموزشی متناسب	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۶	۰/۴۹
	b2	اهداف آموزشی شفاف	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۶۰
	b3	آینده‌نگر بودن	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۵۷
	b4	اصول آموزشی کارآمد	۰/۹۱	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۴۴

۰/۹۵	۰/۹۰	۰/۹۵	عوامل ساختاری
۰/۵۰	۰/۹۵	۱/۰۰	S1 توانمندی مدیران
۰/۳۰	۰/۵۱	۰/۷۷	S2 نظام پویا
۰/۳۱	۰/۵۵	۰/۵۹	S3 ارتباطات سازمانی اثربخش
۰/۴۲	۰/۸۹	۰/۹۴	S4 نظام آموزشی یادگیری محور
۰/۵۵	۰/۸۷	۰/۹۲	S5 ساختار استاندارد محور
۰/۵۱	۰/۸۴	۰/۷۹	S6 نظام غیرمتمرکز
۰/۵۵	۰/۹۰	۰/۹۵	S7 تصمیم‌گیری مؤثر
۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۸۰	عوامل فرایندی
۰/۳۷	۰/۹۰	۱/۱۲	f1 برنامه درسی پویا
۰/۳۱	۰/۵۹	۰/۷۴	f2 یادگیری پژوهش محور
۰/۲۹	۰/۸۰	۱/۰۰	f3 یاددهی - یادگیری منعطف
۰/۴۷	۰/۷۰	۰/۷۶	f4 معلم توانمند و پژوهشگر
۰/۳۸	۰/۸۲	۱/۰۴	f5 معلم متعهد
۰/۶۷	۰/۸۸	۱/۲۱	f6 محتوای کاربردی
۰/۸۸	۱/۲۹	۲/۶۲	f7 محتوای آموزشی موردنیاز
۰/۳۳	۰/۷۰	۰/۷۶	f8 معلم تعامل‌گر
۰/۳۰	۰/۶۶	۰/۶۹	f9 بودجه - هزینه
۰/۷۳	۱/۱۵	۲/۰۴	f10 مدرسه اثربخش
۰/۴۵	۰/۹۲	۱/۲۹	f11 محیط یادگیری امن
۰/۳۳	۰/۶۰	۰/۷۵	f12 مدرسه هوشمند

ضریب تأثیر کلی ۰/۵۵ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده ۰/۳۱ دارای کمترین تأثیر در مدل می‌باشد. در بین عوامل فرایندی محتوای آموزشی موردنیاز با بیشترین ضریب لامبدا با مقدار ۱/۶۲ و ضریب تبیین ۲/۶۲، ضریب تأثیر کلی ۱/۲۹ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده ۰/۸۸ و عامل امتحانات هماهنگ با مقدار ضریب لامبدا ۰/۶۷ و ضریب تبیین ۰/۴۹ و ضریب تأثیر کلی ۰/۵۳ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده ۰/۳۹ دارای کمترین تأثیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد می‌باشد. ضرایب بقیه مؤلفه‌ها سهم نسبتاً مناسبی در تبیین واریانس عوامل را از خود نشان می‌دهند. بنابراین، با استفاده از نتایج به دست آمده از برازش مدل آموزش و پرورش استاندارد استنتاج می‌شود که مدل از اعتبار مناسبی برخوردار است و عوامل مذکور می‌توانند سهم مناسبی در تبیین واریانس آموزش و پرورش استاندارد داشته باشند.

مطابق با جدول ۳ در بین عوامل اصلی مدل آموزش و پرورش استاندارد عوامل بنیادی با ضریب مسیر ۰/۹۶ ($R^2 = ۰/۹۲$) دارای بیشترین رابطه و به ترتیب عوامل ساختاری با ضریب مسیر ۰/۹۵ ($R^2 = ۰/۹۰$) و عوامل فرایندی با ضریب مسیر ۰/۸۰ ($R^2 = ۰/۶۴$) قرار دارند. در بین عوامل بنیادی، ضریب لامبدا مربوط به فلسفه آموزشی با مقدار ۰/۹۹ با ضریب تبیین ۰/۹۸ و ضریب تأثیر کلی ۰/۹۰ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده ۰/۶۰ دارای بیشترین مقدار مشاهده می‌شود. کمترین ضریب لامبدا مربوط به اصول آموزشی کارآمد با مقدار ۰/۹۱ و ضریب تبیین ۰/۸۳ و ضریب تأثیر کلی در مدل ۰/۸۸ و ضریب تأثیر غیرمستقیم ۰/۴۴ در مدل پژوهش می‌باشد. از بین عوامل ساختاری، تصمیم‌گیری مؤثر با ضریب لامبدا ۰/۹۵ و با ضریب تبیین ۰/۹۰، ضریب تأثیر کلی ۰/۹۰ و ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد شده ۰/۵۵ دارای بیشترین تأثیر و عامل ارتباطات سازمانی اثربخش با ضریب لامبدا ۰/۵۹ و با ضریب تبیین ۰/۳۵،

بحث و نتیجه گیری

امروزه هیچ سازمان یا مؤسسه‌ای را نمی‌توان یافت که از جهت-های گوناگون با استاندارد سروکار نداشته باشد. در این میان استانداردهای نظام آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی به‌منظور رشد افراد و پیشرفت اجتماع محسوب می‌شود. تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص شکوفایی اقتصادی و تحول نظام آموزشی کشورهای توسعه‌یافته، نشان‌دهنده توجه جدی مدیران و برنامه‌ریزان این کشورها به استاندارد و استانداردسازی در آموزش و همچنین ترویج آن در بین جامعه است.

هدف از اجرای این پژوهش ارائه مدلی مفهومی برای آموزش و پرورش استاندارد بوده است. از این رو، ابتدا موضوع آموزش و پرورش استاندارد به کمک مطالعات اسنادی و نظریه داده بنیاد مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج بخش کیفی نشان داد که ۳ بعد شامل عوامل بنیادی، عوامل ساختاری و عوامل فرایندی و در مجموع ۲۷ مؤلفه برای آموزش و پرورش قابل طرح می‌باشد. این ابعاد بر اساس شاخص‌های کمی آزمون شد و نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عوامل اصلی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آموزش و پرورش استاندارد در الگوی طراحی شده عوامل مناسبی هستند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که تمامی عوامل مرتبط با آموزش و پرورش در این سه بعد خلاصه می‌شود و خارج از سه بعد نیست.

۱- عوامل بنیادی آموزش و پرورش: عوامل بنیادی آموزش و پرورش استاندارد مربوط به عواملی می‌شود که نقش تعیین‌کننده و بنیادی در نظام آموزش و پرورش دارد و بدون وجود این عوامل آموزش و پرورش نقشی درستی ندارد یا اگر آموزشی هم باشد بدون مبانی نظری درست، بدون فلسفه، اهداف و اصول است. در این عامل، مؤلفه اصول آموزشی کارآمد با توجه به نظرات کارشناسان و خبرگان دارای کمترین ضریب تأثیر در مدل و مؤلفه فلسفه آموزشی دارای بالاترین ضریب تأثیر مسیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد می‌باشد. به‌طور کلی نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش در مورد مؤثر بودن مؤلفه‌های عوامل بنیادی در آموزش و پرورش با پژوهش-

های (۲، ۱۴) همخوانی دارد. در نتیجه می‌توان بیان نمود که اهمیت ندادن به عوامل بنیادی آموزش و پرورش می‌تواند آموزش را به جایی برساند که با فرهنگ و آداب و رسوم کشور همخوانی و هماهنگی نداشته و در این نظام نیروهای تربیت خواهند شد که تنها باعث رشد کشور در ابعاد گوناگون نشده بلکه کشور را به ورطه نابودی هم می‌کشاند. بنابراین توجه به عوامل بنیادی در الگوی استاندارد برای آموزش و پرورش از اهمیت بای برخوردار است.

۲- عوامل ساختاری آموزش و پرورش: عوامل ساختاری آموزش و پرورش مربوط به ساختار نظام آموزشی، نوع نظام آموزشی، نیروی انسانی در سطح ستادی، امور استخدام نیروی انسانی و اموری که برای تمام کشور تصمیم‌گیری واحدی انجام می‌دهد و خط و مشی‌های اصلی را مشخص می‌کنند. از بین عوامل ساختاری، مؤلفه ارتباطات سازمانی با توجه به نظرات کارشناسان و خبرگان دارای کمترین ضریب تأثیر مسیر در مدل و مؤلفه تصمیم‌گیری مؤثر دارای بالاترین مقدار ضریب تأثیر مسیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد می‌باشد. به‌طور کلی نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش در مورد مؤثر بودن مؤلفه‌های عوامل ساختاری در آموزش و پرورش با پژوهش‌های (۵، ۱۴) همخوانی دارد. نقش ارتباطات و تعاملات انسانی در سازمان‌ها از آنجا اهمیت پیدا می‌کند برای اینکه برنامه‌های نوشته شده بتواند اجرایی شده و به نتیجه مطلوب برسد نیازمند ارتباطات در سازمان هستیم. تصمیم‌گیری مؤثر شاید از اهمیت زیادی در سازمانها برخوردار بوده اما می‌توان بیان کرد که مشارکت کنندگان در این تحقیق با توجه به مشاهده تغییرات روزانه در نظام آموزش و پرورش و عدم وجود کیفیت در این تصمیم‌ها یا نداشتن نتیجه مؤثر کمترین نمره را داده‌اند.

۳- عوامل فرایندی آموزش و پرورش: منظور از عوامل فرایندی، مؤلفه‌های است که بیشتر با دانش‌آموز و فعالیت‌های جریان‌یاددهی- یادگیری ارتباط دارد و می‌تواند در کیفیت بخشی آموزش نقش داشته باشد. این عوامل بیشتر در سطح صف و درگیر اجرای فعالیت‌های آموزشی هستند. مدرسه و تمامی

۱- در سطح وزارت و سازمان آموزش و پرورش واحدی با نام استاندارد در آموزش و پرورش ایجاد شده و به استاندارد سازی در زمینه های مختلف پردازد.

۲- وزارت آموزش و پرورش برای عوامل بنیادی و ساختاری و فرآیندی با توجه به نظام جمهوری اسلامی ایران استانداردهای نوشته شود.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

برای رعایت اصول اخلاقی در پژوهش موارد زیر رعایت شده است:

۱- نقل قول نویسندگان بدون تغییر به صورت کامل نوشته شده است.

۲- در انجام مصاحبه‌ها، نام ذکر نام فرد یا افراد در پژوهش خودداری شده است.

۳- در گردآوری پرسشنامه‌ها اطلاعات خصوصی افراد به صورت محرمانه تلقی شده و در جایی بیان نشده است.

مؤلفه‌های که در مدرسه وجود دارد در عوامل فرایندی قرار می‌گیرند. در این عامل، مؤلفه امتحانات هماهنگ با توجه به نظرات کارشناسان و خبرگان دارای کمترین مقدار ضریب تأثیر در مدل و مؤلفه‌های محتوای آموزشی موردنیاز، مدرسه اثربخش و محیط یادگیری امن بالاترین مقدار ضریب تأثیر مسیر را در مدل آموزش و پرورش استاندارد دارند.

به‌طور کلی نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش در مورد مؤثر بودن مؤلفه‌های عوامل فرایندی در آموزش و پرورش با چندین پژوهش (۲، ۱۳) همخوانی دارد.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که به دلیل اینکه نظام آموزش و پرورش رسالت سنگینی را بر عهده دارد، رصد تیزبینانه مؤلفه‌های این نظام و جایگاه آن از اهمیت بالایی برخوردار بوده و این فرایند بدون شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های (شاخصه‌ها) آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

پیشنهادات کاربردی

*Original Article***Presenting and explaining the standard education model**

Received: 04/05/2020 - Accepted: 05/11/2020

KhoobChehreh Mohammad¹
Akbari Ahmad^{2*}
Pourshafie Hadi³
Cherabin Muslem⁴

¹ Ph.D Student in Educational Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

² Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bardaskan Branch, Islamic Azad University, Bardaskan, Iran, (Responsible author): (Corresponding Author)

³ Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences and Psychology, Birjand University, Birjand, Iran

⁴ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

Email: Akbari.180@gmailcom

Abstract

Introduction: Today, the standard category for different industries and businesses is clearly defined with different qualities and it can be applied globally, but in education, because of the connection between issues and human beings and the complexity of the issue, it is not possible to establish a uniform standard for all countries, because each country has its own climate. And its location on the planet has different cultural, political, social conditions. Even in a country like Iran, due to the size and breadth of the country, a certain standard for education may not be formulated, but education without a standard will not have a place. The present study aims to provide a model for standard education and its explanation.

Material and Methods: This study examines the opinions of experts in the field of education in order to identify the components of education and provide a standard education model. The research method was descriptive-survey. The data were collected in the field. The statistical population was experts and specialists in the field of education. For this purpose, 260 experts and specialists in the field of education in South Khorasan province were selected by cluster sampling method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. Cronbach's alpha, content validity and simultaneous validity were also used to determine the reliability and validity of the measuring instrument.

Results: Fundamental data analysis and quantitative data from descriptive, fit, and confirmatory factor analysis were used to analyze qualitative data. .

Conclusion: The overall results of the study indicate that the proposed model can be verified using AMOS software..

Keywords: Education, Standardization, Standard Education, Education Components, Standard Education Model

References

1. Arefnejad M. Identification and Prioritization of Competency Components of School Managers with Emphasis on Islamic Management. *Two Journal of Management and School Management*, . 2018;5(1): 151-72. (Persian).
2. Maleki Hi. *Planning Introduction*. Edition F, editor. Tehran: Samat; 2010.
3. Khanifar H, Naderi Bani N, Ebrahimi S, Fayazi M, Rahmati MH. Principals: Competence, knowledge, ability and skills and model presentation. *Journal of New Approach in Educational Management*. 2020;11(45):1-30. [Persian].
4. R; DM, R; GM, K; SG, M. T. Education policy in Iran according to the theory of good governance (case study; public trust index). *Journal of New Approach in Educational Management*. 2020;11(45):289-304. [Persian].
5. Kanifar H. A Prelude to Standard and Standardization in Educational Systems. *Irinian Journal of Management Studies (IJMS)*. 2007;1(1):57-71. [Persian].
6. Augustinus L, Vandeghinste V, Van Eynde F, editors. Example-based treebank querying. *Proceedings of the 8th international conference on language resources and evaluation (LREC 2012)*; 2012: ELRA; Paris.
7. A. A. Promoting standard culture in schools. *News-Analytical Weekly of the National Standard Organization of Iran*. 2014;23(2):2-4. [Persian].
8. Mashayekh F. *Basics of planning: school curriculum planning*. Tehran: Madrasa Publications; 2014.
9. Ahanchian MR. Irregular education and standardization of knowledge in human resource education, . *Proceedings of the first scientific conference on standardization and standardization in education (with emphasis on human resource standards)*; Tehran2004. p. 545-58. [Persian].
10. Serdyukov A. A minimal relativistic model of gravitation within standard restrictions of the Classical Theory of Fields. *Physics of Particles and Nuclei Letters*. 2009;6(3):190-201.
11. Modisaotsile BM. The failing standard of basic education in South Africa. *Policy brief*. 2012;72:1-7.
12. Statistics Uif. *International standard classification of education: ISCED 2011*. *Comparative Social Research*. 2012;30.
13. Saadatmand V, Goodarzi A. Standardization of education system based on ISO 2000-9000 requirements. *Proceedings of the first scientific conference on standardization and standardization in education (with emphasis on human resource standards)*;; Tehran2004. p. 346-33. [Persian].
14. Miandari K, Sarlak M, Ahmadi A, Jalalian N. *The design of futuristic organization (higher education)*. 2013.
15. Mehr Alizadeh Y, Hosseinzadeh AH, Qalavand R, Molaei S. Presenting a Paradigm Model of Reconstruction and Improvement of the Standard Skills System Based on the Foundation Data Method, . *Skilled Student Journal*. 2013;1(3): 7-33. [Persian].
16. Mahdiuon R, Pahang N, Yariqoli B. Identifying factors affecting the quality of schools and investigation schools status quo: the mixed method research. *Journal of School Administration*. 2017;5(1):173-93.
17. Navid Adham M, Sadeghzadeh G A. Designing a model of cultural policies in the education system, . *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*,. 2015;4:135-54. [Persian].
18. Mohseni MA. A Study and Critique of Positive Approaches to the Philosophy of Islamic Education in the Islamic Republic of Iran. *Imam Khomeini Educational and Research Institute*,. 2013;5(10): 29-56. [Persian].
19. Rouhani Dehkordi S, Bagheri S, A. . School and its role in educating values. *Journal of Knowledge*,. 2012;21(179):95-103. [Persian].
20. Révai N. What difference do standards make to educating teachers?: A review with case studies on Australia, Estonia and Singapore. 2018.